



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: فی الأذان والإقامة.

مباحثی که امروز به عرضتان می‌رسانیم به این ترتیب خواهد بود: اول ثواب اذان گفتن. دوم فصول اذان و فصول اقامه. سوم شهادت به ولایت و کلام شیخ صدوق در این رابطه که فرموده بدعت است. چهارم مدرسه اهل بیت و مدرسه خلفاء که یکی از کتابهای بسیار خوب در این رابطه "معالم المدرستین" تألیف مرحوم آیت الله سید مرتضی عسکری می‌باشد البته ایشان تألیفات زیادی دارد و یکی دیگر از کتابهای بسیار خوب ایشان "خمسون و مئة صحابی مختلق" می‌باشد، عامه قائلند الصحابة کلهم عدول و کلهم مجتهدون در حالی که در این کتاب ذکر شده که ۱۵۰ صحابه خودشان درست کرده‌اند و از قول آنها هرچه دلشون خواسته نقل کرده‌اند! علی‌ای حال بنده توصیه می‌کنم کتابهای مرحوم آیت الله سید مرتضی عسکری را مطالعه کنید. پنجم استفاده از اذان به عنوان اعلام دخول وقت و بیدار کردن مردم برای خواندن نماز که این امر توسط جبرائیل برای پیغمبر و مسلمانان قرار داده شد بر خلاف نصاری که ناقوس می‌زدند یا یهود که طبل می‌زدند و علامه در تذکره مفصل در این رابطه بحث کرده.

ششم بحث قرار دادن عبارت "الصلاة خیر من النوم" بجای "حی علی خیر العمل" توسط عمر.

اینها رئوس مطالب بود که فهرست وار خدمتان عرض شد.

مطلب اول در مورد ثواب اذان گفتن می‌باشد که صاحب جواهر فرموده عقل انسان از این ثوابی که برای اذان گفتن ذکر شده حیران می‌ماند، سابقاً مرسوم بود که علماء سر تپه یا بلندی می‌رفتند و اذان می‌گفتند بنده یادم هست پدرم که از علماء همدان بود بعد از خواندن نماز شب بروی تپه ای می‌رفت و اذان می‌گفت، بعضی این امور را دون شأن خود می‌دانند ولی خب در کاری که برای خدا باشد شأنیت مطرح نیست علی‌ای حال ما باید عادت کنیم به انجام این کار.

اخبار فراوانی در مورد ثواب اذان گفتن داریم که چند خبر را به عنوان نمونه می‌خوانیم:

خبر اول: «وعنه عن محمد بن الحسين بن جعفر بن بشير عن العزيمي عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن من أطول الناس أعناقاً يوم القيامة المؤذنين»^۱.

کنایه از اینکه مؤذنین در قیامت از همه سرافراز تر هستند.

خبر دوم: «أحمد بن محمد البرقي في (المحاسن) عن عبيد بن يحيى بن المغيرة عن سهل بن سنان عن سلام المدائني عن جابر الجعفي عن محمد بن علي عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم المؤذن المحتسب (مواظب است که در سر وقت اذان بگوید) كالشاهر سيفه في سبيل الله القاتل بين الصفيين»^۲.

خبر سوم: «۱۳: محمد بن علي بن الحسين باسناده عن عبد الله بن علي عن بلال مؤذن رسول الله صلى الله

^۱ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ابواب اذان و اقامه، باب ۲، حدیث ۶، ج ۴، ص ۶۱۴، طبعه الإسلامية.

^۲ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ابواب اذان و اقامه، باب ۲، حدیث ۸، ج ۴، ص ۶۱۴، طبعه الإسلامية.

عده ای از فقهاء من جمله شیخ طوسی در مبسوط فرموده اند جزئی از اذان و اقامه نیست ولی خب اگر از باب تیمن و تبرک و محبت و توسل گفته شود و به عنوان اینکه شعار شیعه است اشکالی ندارد بر خلاف شیخ صدوق که خیلی محکم می گوید بدعت است و نباید گفته شود، شیخ صدوق مقید بوده فقط هر آنچه در متن روایت ذکر شده را بیان کند و در متن روایات نیز شهادت به ولایت جزء فصول اذان و اقامه بیان نشده.

مطلب بعدی که صاحب عروه بیان کرده این است که: «ویکره الترجیع علی نحو لا یکون غناء، وإلا فیحرم»^۶.

گفتیم که ترجیع یعنی تحریک الصوت فی الحلق و قبلا مفصلا درباره غنا بحث کردیم.

مرحوم آیت الله سید مرتضی عسکری نیز در کتاب "معالم المدرستین" شأن نزول هر کدام از اذان و اقامه در مدرسه اهل بیت علیهم السلام و در مدرسه خلفاء را بیان کرده که مراجعه و مطالعه بفرمائید و بنده نیز در کتاب خمس خودم مطالبی را در این رابطه نوشته ام و خبری را از مشایخ ثلاثه درباره شأن نزول اذان و اقامه نقل کرده ام ولی عامه در مدرسه خودشان مصادیق اذان را مأخوذ از رؤیای عبدالله بن زید می دانند و اخباری را در این رابطه در کتب خود نقل کرده اند البته علامه حلی در منتهی هفت اشکال به عامه در این رابطه وارد کرده است.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله

علی محمد و آل الطاهرین

^۶ العروة الوثقی، سید محمد کاظم یزدی، ج ۲، ص ۴۱۳، طبع جماعه المدرسین.

علیه وآله (فی حدیث طویل) قال: سمعت رسول الله صلی الله علیه وآله یقول من أذن أربعین عاما محتسبا بعثه الله عز وجل یوم القیامة وله عمل أربعین صدیقا عملا مبرورا متقبلا.

۱۴: قال وسمعته یقول: من أذن عشرین عاما بعثه الله یوم القیامة وله من النور مثل زنة السماء.

۱۵: قال: وسمعته یقول من أذن عشر سنین أسکنه الله عز وجل مع إبراهیم الخلیل علیه السلام فی قبته أو فی درجته.

۱۶: قال: وسمعته یقول من أذن سنة واحدة بعثه الله یوم القیامة عز وجل وقد غفرت ذنوبه كلها بالغة ما بلغت ولو كانت مثل زنة جبل أحد.^۳

مطلب دوم در مورد فصول هر کدا از اذان و اقامه می باشد که دیروز کلام صاحب عروه در این رابطه را خواندیم که فرمود "فصول الأذان ثمانية عشر و فصول الإقامة سبعة عشر" ایشان در ادامه کلامش می فرماید: «ویستحب الصلاة علی محمد وآله عند ذکر اسمه»^۴.

عامه وقتی صلوات می فرستند " آل " را نمی گویند بر خلاف ما که حتما بر آل محمد نیز صلوات می فرستیم و این یک بحث مهمی است که روایات فراوانی نیز در این رابطه داریم.

مطلب سوم در مورد گفتن شهادت به ولایت در اذان و اقامه می باشد که صاحب عروه در این رابطه فرموده: «وأما الشهادة لعلی علیه السلام بالولاية وإمرة المؤمنین فلیست جزءا منهما»^۵.

^۳ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ابواب اذان و اقامه، باب ۲، حدیث ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶، ج ۴، ص ۶۱۵، طبع الإسلامیة.

^۴ العروة الوثقی، سید محمد کاظم یزدی، ج ۲، ص ۴۱۲، طبع جماعه المدرسین.

^۵ همان.